

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



به نام خداوند بخشنده مهربان

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

Au nom de Dieu le Très Miséricordieux le Tout Miséricordieux

عَبَسَ وَتَوَلَّى



تروشرویی کرد و رویش را برگردانید

He frowned and turned away

Il s'est renfrogné et il a tourné le dos

أَنَّ جَاءَهُ الْأَعْمَى



زیرا دید مردی نابینا نزد او آمده است.

that the blind man came to him

parce que l'aveugle est venu à lui.

وَمَا يَدْرِيكَ لَعَلَّهٗ يُزَكِّي

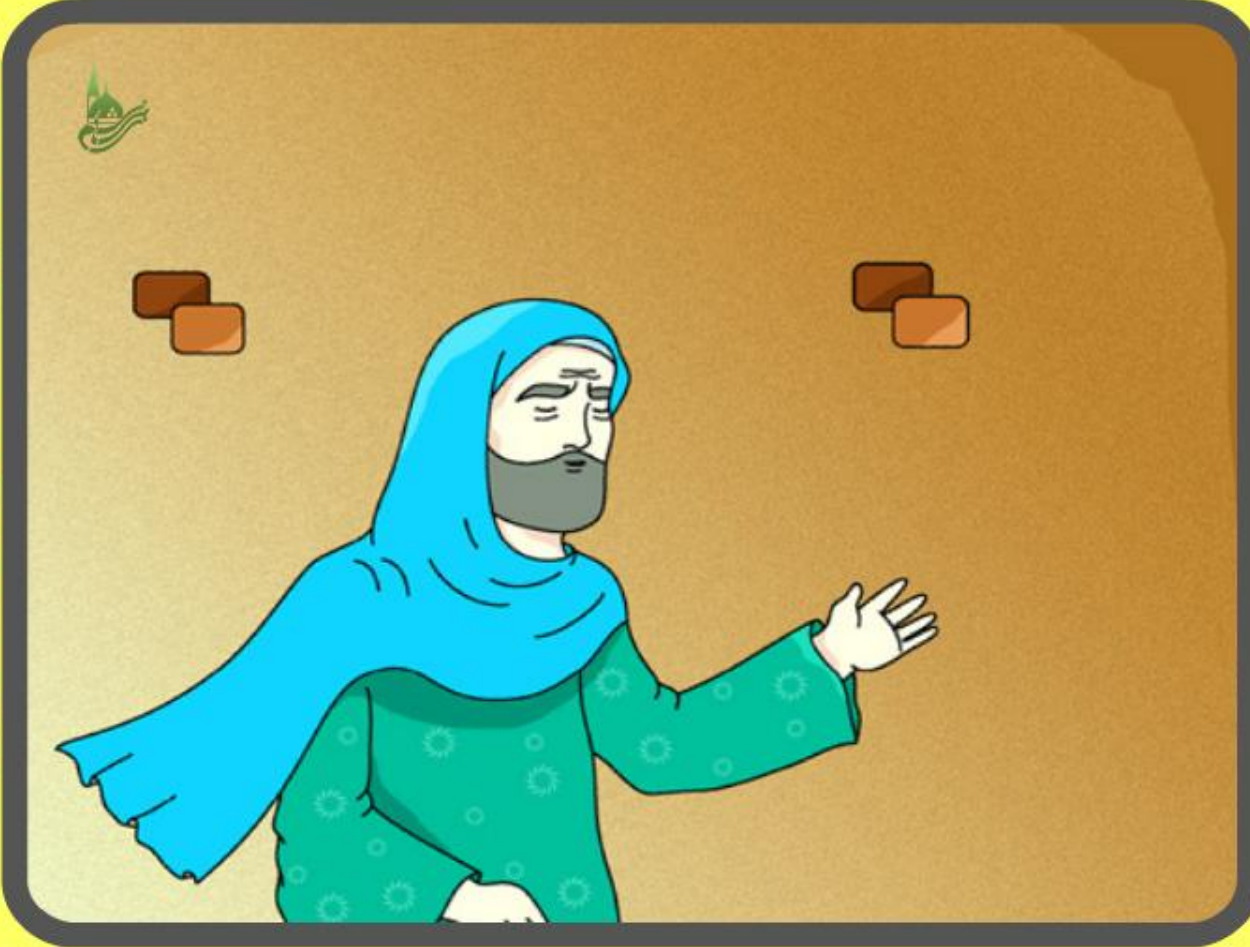


تو چه می دانی، شاید آن مرد نابینا کلام خدا را می شنید و پاک و حق پذیر می شد.

And what should teach thee? Perchance he would cleanse himself

Qui te dit? Peut-être [cherche]-t-il à se purifier.

أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَىٰ



یا شاید او از این دیدار پندی می گرفت که برایش فایده داشته باشد.

or yet remember, and the Reminder profit him

ou à se rappeler de sorte que le rappel lui profite!

أَمَّا مَنْ اسْتَغْنَى



چرا به کسی که به دارایی و ثروتش می نازد توجه داری

But the self-sufficient

Quant à celui qui cherche à se mettre au large,

فَأَنْتَ لَهُ وَتَصَدَّى



و با روی خوش با او برخورد می کنی؟

to him thou attendest

tu vas avec empressement à sa rencontre.

وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَكِيَّ



در حالی که اگر چنین کسی پاک و حق پذیر نشود، تو مسئولیتی نداری.

though it is not thy concern, if he dose not cleanse himself

Or, que t'importe qu'il ne se purifie pas?

وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى



و از سوی دیگر، چرا از کسی که با شوق و شتاب پیش تو آمده

And he who comes to thee eagerly

Et quant à celui qui vient à toi avec empressement

وهو يخشى



و دلی خدا ترس دارد،

and fearfully

tout en ayant la crainte,

فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى



غافل می شوی و به دیگران توجه می کنی؟

to him thou payest no heed

alors tu ne t'en soucies pas.

كَلَّا إِنَّهَا تَذِكْرَةٌ



چنین مکن! زیرا قرآن، پند دهنده و یادآوریِ مهمی است.

No indeed; it is a Reminder

N'agis plus ainsi! Vraiment ceci est un rappel,

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ



هر کس آمادگی پند گرفتن و آموختن آن را داشته باشد از آن پند خواهد گرفت.

and whose wills, shall remember it

quiconque veut, donc, qu'il se rappelle,-

فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ

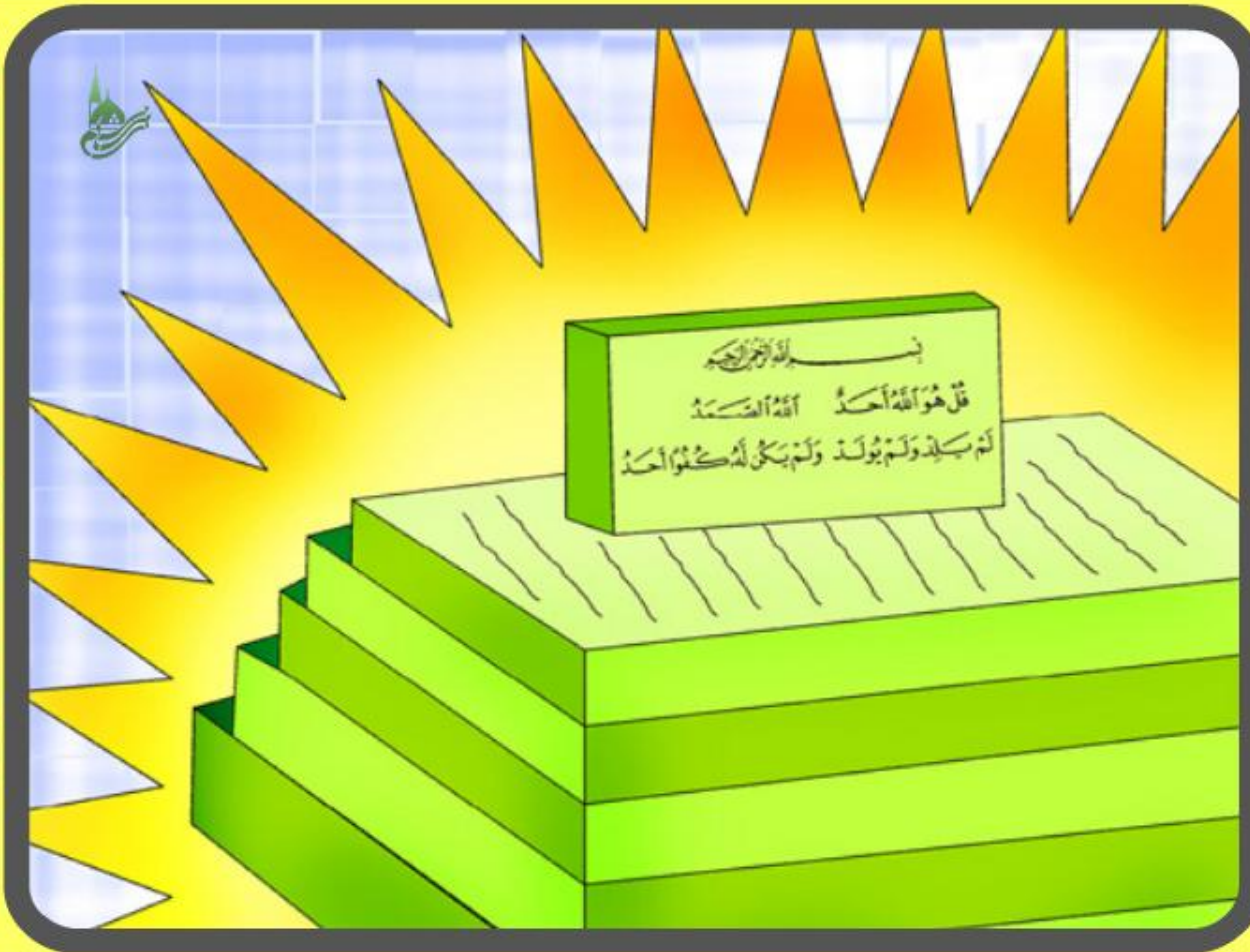


این قرآن در صفحه ها و نوشته هایی گران بها گرد آمده است.

upon pages high-honoured

en des feuilles honorées,

مَرْفُوعَةٌ مُطَهَّرَةٌ



نوشته هایی بلند پایه که از هر خطا و دروغی فاصله دارد

uplifted, purified

élevées, purifiées,

بِأَيْدِي سَفَرَةٍ



و به دست نویسندگان نوشته شده است

by the hands of scribes

entre les mains d'ambassadeurs

کرام برره



که فرشتگان گرامی و خوب خدا هستند.

noble, pious

nobles, charitables.

قُلْ لِلْإِنسَانِ مَا أَكْفَرَهُ،



مردہ باد انسان بی ایمان کہ تا این اندازہ ناسپاس و حق ناشناس است!

Perish Man (unbeliever)! How unthankful he is!

Que périsse l'homme! Qu'il est ingrat!

مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ



مگر نمی داند که خدا او را از چه چیزی آفریده است که خود را بزرگ می شمارد و ناسپاسی می کند؟

Of what did He create him?

De quoi [Allah] l'a-t-il créé ?

مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ وَفَقَدَرَهُ



خداوند او را از نطفه ای بی ارزش به وجود آورده، و به این شکل زیبا در آورده است.

Of a sperm-drop He created him, and determined him

D'une goutte de sperme, Il le crée, puis il le détermine (son destin);

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ

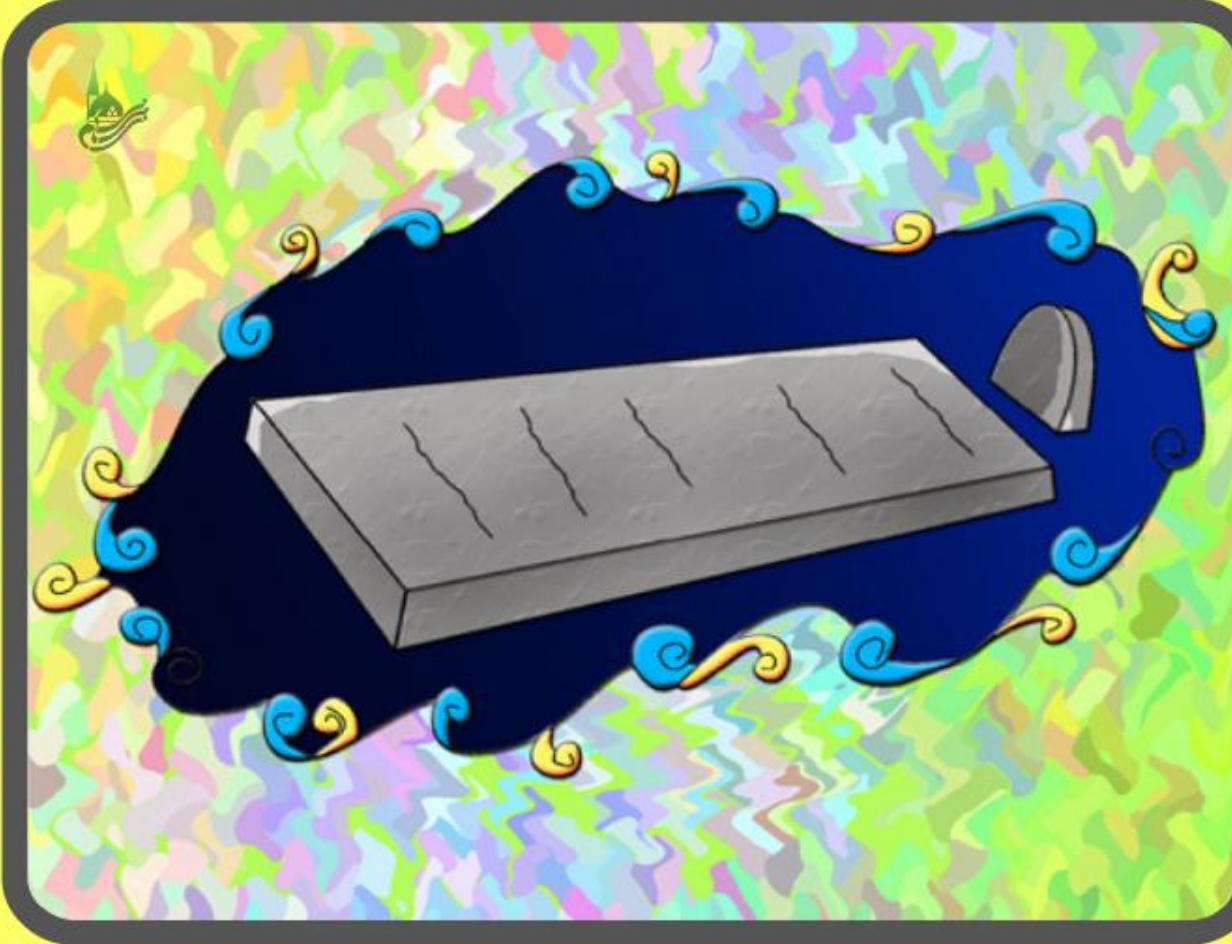


پس از آن راه رستگاری و سعادت را پیش پیش هموار کرده است.

then the way eased for him

puis Il lui facilite le chemin;

شَمَّ أَمَانَهُ وَفَأَقْبَرَهُ



و بعد از زندگی در این دنیا او را می میراند و به خاک گور می سپارد.

then makes him to die, and buries him

puis Il lui donne la mort et le met au tombeau;

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشُرَهُ



و پس از آن، هر وقت بخواهد، او را بعد از مردن، زنده می کند.

then, when He wills, He raises him

puis Il le ressuscitera quand Il voudra.

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ



افسوس که انسان به جای اینکه سپاسگزار خدا باشد، هنوز آنچه را که خدا دستور داده، انجام نداده است.

No indeed! Man has not accomplished His bidding

Eh bien non! [L'homme] n'accomplit pas ce qu'il lui commande.

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ



لا اقل بايد انسان به يكي از نعمت هاي خدا، يعني به همين غذايي كه مي خورد، با دقت نگاه كند:

Let Man consider his nourishment

Que l'homme considère donc sa nourriture:

أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا



ما بودیم که آب بسیار زیادی از آسمان فرو ریختیم.

We poured out the rains abundantly

C'est Nous qui versons l'eau abondante,

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا



پس از آن زمین را به خوبی از هم شکافتیم.

then We split the earth in fissures

puis Nous fendons la terre par fissures

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا

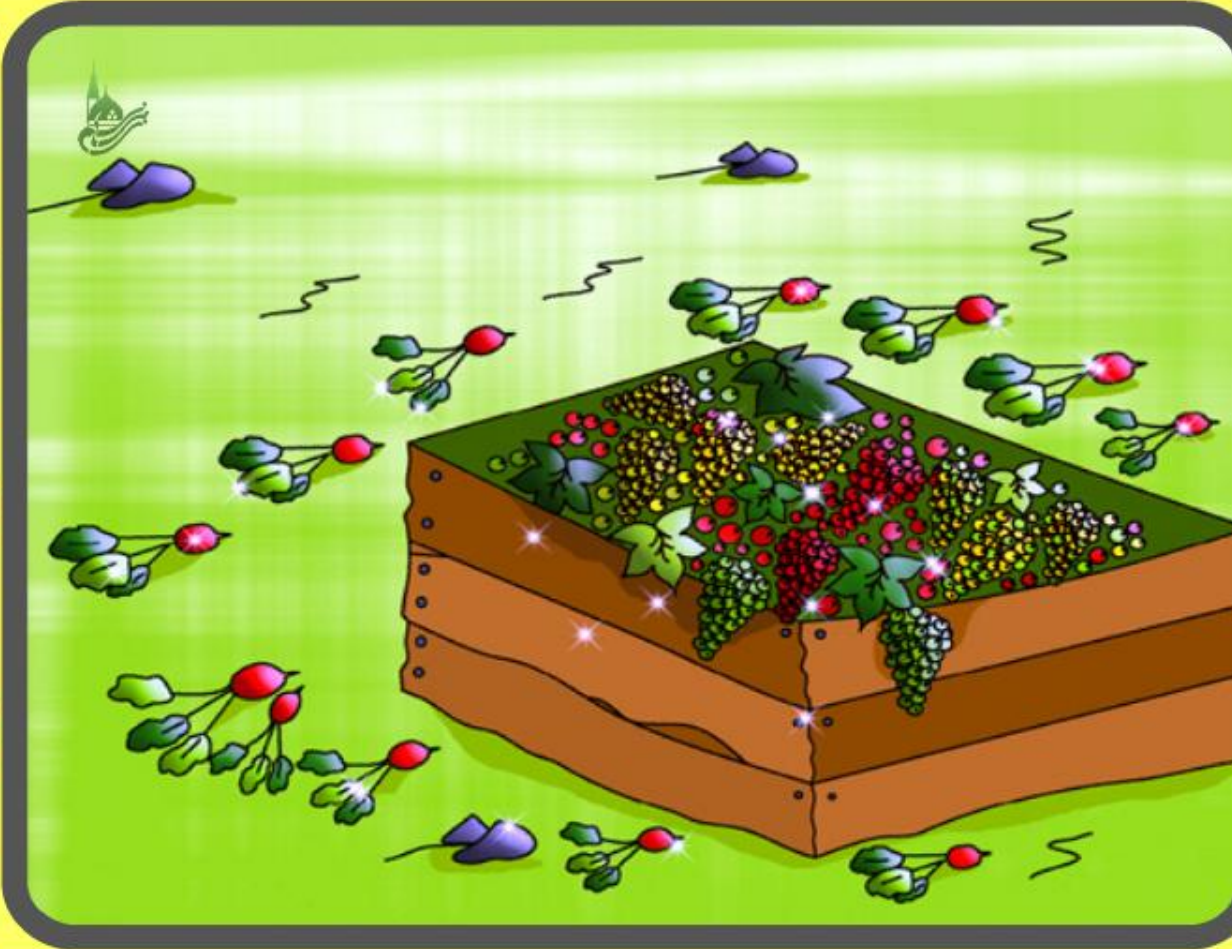


آنگاه دانه های درون آن را رویانددیم.

and therein made grains to grow

et y faisons pousser grains,

وَعِنَبًا وَقَضْبًا



و انگور و سبزی های خوردنی،

and vines, and reeds

et vignobles et légumes,

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا



و زيتون و خرما،

and olives, and palms

et oliviers et palmiers,

وَحَدَائِقَ غُلْبًا



و باغ های پر درخت

and dense-treed gardens

et jardins touffus,

وَفَاكِهَةٌ وَأَبَاً



و میوه های گوناگون، و نیز، علفزارها را به وجود آوردیم،

and fruits, and pastures

et fruits et herbages,

مَنْعَالَكُمْ وَلَا نَعْمِكُمْ

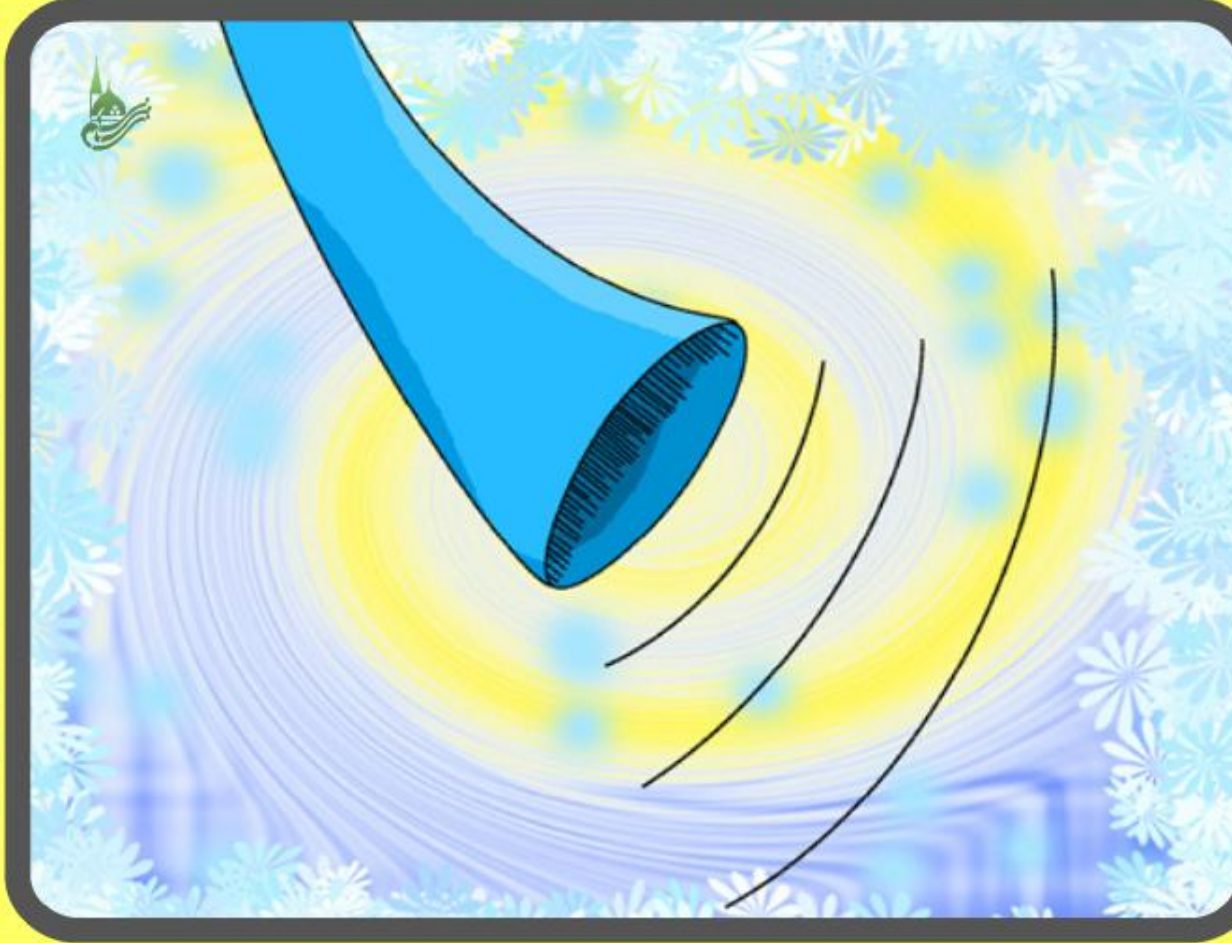


تا شما انسان ها، و حیوانات شما، از این نعمت ها استفاده کنید.

an enjoyment for you and your flocks

pour votre jouissance vous et vos bestiaux.

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاعِقَةُ



پس به یاد فرا رسیدن روزی باشید که صدای بلند و ترسناک قیامت به گوش همه برسد،

And when the Blast shall sound

Puis quand viendra le Fracas,

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ



در آن روز انسان حتی از برادرش هم می گریزد و دوری می کند.

upon the day when a man shall flee from his brother

le jour où l'homme s'enfuira de son frère,

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ



همچنین از مادر و پدر

his mother, his father

de sa mère et de son père,

وَصَحْبِهِ وَبَنِيهِ



و همسر و فرزندانش نیز فرار می کند.

his consort, his sons

de sa compagne et de ses enfants,

لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ



در آن روز، هر کسی آنقدر گرفتار کار و حال خویش است که به یاد کسی غیر از خودش نمی افتد.

every man that day shall have business to suffice him

car chacun d'eux, ce jour-là, aura son propre cas pour l'occuper.

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ



در آن روز، انسان ها دو گونه اند: گروهی چهره های نورانی و تابناک دارند

Some faces on that day shall shine

ce jour -là, il y aura des visages brillants,

ضاحكة مستبشرة



و از فرار رسیدن روز قیامت خوشحال و خندانند

laughing, joyous

riants et réjouis.

وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ



و گروهی دیگر، چهره هایی غبار آلوده و غمزه دارند

some faces on that day shall be dusty

De même qu'il y aura, ce jour-là, des visages couverts de poussière,

تَرَهَّقَهَا قَتْرَةٌ



که تیرگی و تاریکی آن ها را پوشیده است.

overspread with darkness

recouverts de ténèbres.

أُولَئِكَ هُمُ الْكٰفِرَةُ الْفَجْرَةُ



این ها، همان کافران گناهکارند.

those - they are the unbelievers, the libertines

Voilà les infidèles, les libertins!

SOURCE : Bani Hashem
Publications